

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره سوم - پاییز ۱۳۸۳

صص ۳۳-۵۲

آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشگاهی آن

سعید دانشگر^۱ - سید ابراهیم جعفری^۲
محمد جواد لیاقت‌دار^۳

چکیده

آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری تربیت دینی با وجود قدمت دین و آسیبهای دینداری موضوعی بکر و جدید است. موضوعی که در باب آن مطالعات و پژوهش‌های علمی زیادی انجام نگرفته است. منظور از آسیب‌شناسی تربیت دینی، شناسایی آسیبها، بحران‌ها و چالش‌های موجود در تربیت دینی افراد می‌باشد. هدف از این مقاله که خلاصه یک پژوهش دانشگاهی است تعیین میزان تأثیر زمینه‌های آموزشگاهی در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشد. زمینه‌های آموزشگاهی مورد بحث عبارت‌اند از شیوه مدیریت مدرسه، ویژگیهای شخصیتی معلمان، محتوای کتابهای دینی، بُعد ساختاری مدرسه و در نهایت بُعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه. این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل ۴۴ سؤال بسته پاسخ و یک سؤال باز پاسخ بوده

۱- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

۲- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

۳- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

است. جامعه آماری پژوهش کلیه دبیران دینی و قرآن (۲۴۰ نفر) و مربیان پرورشی (۱۲۹ نفر) مقطع متوسطه شهر شیراز بوده که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه لازم (۱۰۰ دبیر دینی و قرآن و ۴۹ مربی پرورشی) انتخاب گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر شش مؤلفه مورد بررسی پژوهش بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش داشته‌اند. در پایان توصیه‌هایی برای کاهش سطح آسیب‌پذیری تربیت دینی از جمله متناسب‌سازی محتوای کتابهای دینی با مقتضیات زمان و توجه به تفاوت‌های بین‌نسلی، توجه به شادابی و نشاط‌انگیزی محیط‌های تربیت دینی، آموزش شیوه‌های جدید آموزشی و به‌روز کردن اطلاعات معلمان و مدرسان دروس دینی، ارتقای سطح دانش تخصصی و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، توجه جدی به عنصر تکریم شخصیت انسانها و پرهیز از الزام و اجبار و شیوه‌های آمرانه و دستوری در تربیت دینی و... ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: تربیت دینی، زمینه‌های آموزشگاهی، آسیب‌پذیری دینی، ابعاد ساختاری و فرهنگی - اجتماعی مدرسه.

مقدمه

عصر ما، عصر بحران‌ها و چالش‌هاست. بحران‌ها و چالش‌هایی که ضمن ایجاد تغییرات عمده و زیربنایی در زندگی انسان تحول و پویایی خاصی را در جنبه‌های گوناگون زندگی او موجب شده‌اند. بحران‌هایی که حتی در ثابت‌ترین بُعد وجودی انسان رخنه کرده و باعث به‌وجود آمدن تحول و تغییر در آن گردیده‌اند. بحران‌هایی که هر روز بیش از روز قبل و هر ساعت بیش از ساعت قبل بر مصایب و مشکلات انسان افزوده و مشغله فکری، جسمی و روحی او را سبب گردیده‌اند. بحران‌ها و چالش‌هایی که با قدرت و سرعت شگفت‌آور خود به پیش می‌تازند و با در نوردیدن انسان و ارزشهای انسانی در خود او را به مبارزه‌ای سخت و طاقت‌فرسا فرامی‌خوانند. بحران‌هایی که ارزشهای دیروز را ضد ارزش امروز و ناهنجاریهای دیروز را به هنجارهای امروز مبدل ساخته‌اند و خلاصه چالش‌هایی که با توجه محض به علم و عقل، دنیا را سرلوحه تمام امور و برنامه‌های زندگی آدمی کرده و انسان و قوای ارزشی و عاطفی او را تحت سلطه خود در آورده‌اند.

همان‌گونه که گفته شد یکی از ویژگی‌های عصر جدید، وجود تغییرات عمده و زیربنایی در زندگی انسانهاست. یکی از تغییرات اساسی در زندگی انسانها که ناشی از چالش‌ها و بحران‌های عصر جدید است تغییراتی است که در بعد معنوی و ارزشی انسانها به وجود آمده است. بحران‌ها و چالش‌های عصر جدید ارزشهای دینی و معنوی انسان را بیش از هر عامل دیگر به مبارزه‌ای سخت و چالشی عظیم با خود فراخوانده‌اند. حاکمیت مطلق علم و علم‌گرایی بر جنبه‌های گوناگون زندگی آدمی که او را بی‌نیاز از دین و معنویت می‌دانست، پیدایش فلسفه‌هایی مانند تجربه‌گرایی، ماده‌گرایی و انسان‌گرایی (اومانیزم) که با توجه صرف به انسان، بعد ظاهری مادی و تجربی او را مد نظر قرار می‌داد، ظهور نهضت اصلاح دینی (رفورمیسم) و عوامل مشابه دیگر باعث شدند که انسانها به تدریج از دین و مذهب فاصله بگیرند. فاصله گرفتن تدریجی انسانها از دین و مذهب باعث پدیدار شدن آسیب‌ها و مشکلاتی در تربیت دینی افراد شد. آسیب‌ها و مشکلاتی که باعث به وجود آمدن خلل در فرایند طبیعی تربیت دینی و کم‌رنگ کردن نقش دین در تربیت و هدایت انسانها شدند. آسیب‌ها و مشکلاتی که با توجه به انقلاب ارتباطات در مدت زمان کوتاهی به تمام نقاط جهان سرایت کردند. کشور ما هم با وجود برخورداری از فرهنگ دینی و انقلاب دینی و توجه عمیق به دین به عنوان پایه و سرلوحه تمام برنامه‌های مادی و معنوی، از این آسیب‌ها و بحران‌ها در امان نبوده است. به عبارت دیگر انقلاب ارتباطات باعث سرایت آسیب‌ها و بحران‌های جهانی به کشور ما نیز شده است، آسیب‌ها و بحران‌هایی که نیاز است شناسایی شوند تا در پناه شناسایی آنها بتوان در راه رفع آنها گام برداشت.

بیان مسأله

دین پدیده‌ای هماهنگ و همساز با فطرت انسانی و یکی از علایق کهن بشری است که همیشه به عنوان یک نیاز ضروری اساسی در میان انسانها خودنمایی کرده است. یافته‌های دانشمندان بهترین گواه این مدعاست که تاریخ زندگی بشر با دین آمیخته است. مینرز^۱ (۱۷۴۷-۱۸۱۰) نویسنده تاریخ عمومی ادیان اعتقاد دارد که هرگز قومی بدون

دین و مذهب در دنیا وجود نداشته است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۰). علاوه بر آن دین پدیده‌ای است که آینده بشر با آن همراه و همگام خواهد بود. ارنست رنان (۱۸۹۳-۱۸۲۳) فیلسوف بزرگ فرانسوی در این باره می‌گوید: ممکن است روزی هر چه را دوست دارم نابود شود و هر چه در نزد من لذت‌بخش و نعمت حیات است از میان برود و یا آزادی به کار بردن عقل و دانش و هنر بیهوده گردد، ولی محال است که علاقه به دین متلاشی یا محور گردد و همواره و همیشه باقی خواهد ماند (یوسفیان، ۱۳۸۱، ص ۱۱). با وجود آنچه گفته شد در سطح بین‌الملل ظهور و بروز پدیده‌هایی مانند رنسانس، نهضت اصلاح دینی و جایگزینی علم به عنوان منبع پاسخگویی به سؤالات انسان به جای دین باعث شد از محبوبیت دین و تربیت دینی کاسته شود.

در کشور ما با پیروزی انقلاب اسلامی، تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش جایگاه خاص یافت و دین و ارزش‌های الهی و اخلاقی از اولویت خاص برخوردار شد و سرمایه‌های هنگفتی در خصوص تحقق این آرمان مقدس صرف شد. با وجود اهمیت تربیت دینی در جامعه ما و صرف هزینه‌های سنگین در خصوص عناصر مختلف آموزشی، واقعیت‌های آشکار جامعه ما حکایت از ضعف و ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش رسمی کشور در تربیت دینی دانش‌آموزان دارد. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد آموزشها در این زمینه منجر به تربیت دینی و توسعه احساسات و تجارب دینی فراگیران نشده است و تنها در حد تراکم اطلاعات و اندوخته‌های ذهنی آنها باقی مانده است. این واقعیت‌ها بیانگر وجود آسیب‌هایی در فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشد که نیاز است شناسایی و در جهت رفع آنها اقدام گردد که این پژوهش گام کوچکی در این راستا برداشته است.

پیشینه تحقیق

دین به عنوان کلید اساسی فهم تاریخ و تحولات اجتماعی و به عنوان اصل وحدت‌بخش که هماهنگی و همفکری بین اقشار و گروه‌های مختلف جامعه را سبب می‌شود نقش بسیار مهمی در فرایند تربیت و جامعه‌پذیری انسانها ایفا می‌کند. فوئرباخ معتقد است دین در هر شکلی تظاهر کند همیشه یک احتیاج روحی و معنوی بشر است (حجتی، ۱۳۶۶، ص ۳۰). فلانگان (۱۹۷۷) اعتقاد دارد که هر فرد صاحب ارزشهای معین و

منحصر به فرد است که این ارزشها افکار، احساسات و عملکرد او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حال با توجه به قدرت تأثیر خارق‌العاده دین و تربیت دینی این سؤال مطرح است که مجموعه دستگاه تعلیم و تربیت در خصوص تربیت دینی تا چه اندازه توفیق داشته است. گره‌های کور و زمینه‌های آسیب‌پذیری که در این خصوص در مدارس و آموزشگاهها، وجود داشته و دارد کدام است؟ این فاصله گرفتن نسل نواز دین و باورهای دینی را در کجا باید جست‌وجو کنیم؟

از ویژگیهای عصر جدید، احساس روزمرگی و بیهودگی انسان است. به این معنا که وی از درون احساس پوچی و بی‌محتوایی می‌کند. شاید یکی از عوامل مؤثر در پیدایش این حالت روحی فاصله گرفتن تدریجی بشر از مذهب و رویکرد عجولانه و شتابنده او به علم پس از دوران نوزایی علم در اروپاست (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰). این آسیب‌شناسی که به تعبیر باقری (۱۳۸۰) شامل اختلال‌های مفهومی و مصداقی در به‌کارگیری مفاهیم و معیارهای دینی در جریان تربیت دینی افراد می‌باشد، باید از جنبه‌های گوناگون صورت پذیرد که شاید مهمترین وجه آن در خصوص نسل جوان است. شهید مطهری معتقد است که «ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان، محاسن و معایبی دارد. این نسل ادراکات و احساساتی دارد که در نسل گذشته نبود و از این نظر باید به او حق داد». ایشان در جای دیگر اشاره کرده‌اند که «بزرگترین مشکل در رهبری نسل جوان، نفهمیدن زبان و منطق اوست». همچنین وی تأکید می‌کند که «باید این خیال را از سر خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان شیوه‌های قدیم رهبری کنیم»^۱. این نگاه دقیق و اصولی که مورد تأکید سایر دانشمندان نیز قرار گرفته است شاید بتواند به روشنی یکی از زمینه‌های آسیب‌پذیری را در تربیت دینی مشخص نماید. در این رابطه، هافمن (۱۹۸۰) دوره نوجوانی را به‌عنوان یک دوره اساسی و مهم در شکل‌گیری گرایشهای اخلاقی فرد می‌داند. همچنین سوانسون و هیل (۱۹۹۳) آگاهی نوجوان از شناخت‌های اخلاقی خود را شرط اساسی و لازم استفاده از استدلال‌های اخلاقی در جریان عملکرد اخلاقی وی می‌دانند. به هر حال با وجود اهمیت موضوع و

۱- برای مطالعه بیشتر به آثار شهید مطهری از جمله «کتاب ده گفتار» و مجموعه مقالات گفتارهای ایشان مراجعه شود.

نیت خیرخواهانه مسؤولان و تلاشها و اقدامات صورت گرفته، بررسی کارنامه نظام آموزشی کشور در خصوص تربیت دینی حکایت از ناکارآمدی دارد. بنابراین این ناکارآمدی بیش از هر زمان دیگر اقتضا می‌کند تا با انجام یک پژوهش کاربردی زمینه‌های آسیب‌پذیری مورد شناسایی قرار گرفته و راهکارهای دقیق و مشخص برای فراهم ساختن زمینه‌های توفیق بیشتر ارائه گردد.

در مورد آسیب‌شناسی دین و تربیت دینی با وجود قدمت دین و آسیب‌های وارد بر آن پژوهش‌های گسترده‌ای صورت نگرفته است. در اینجا به برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود.

دانشگاه تهران (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌شناسی آموزشهای دینی» به نظرسنجی از ۴۹۱ دانشجوی آن دانشگاه از طریق پرسشنامه پرداخته است که یافته‌های آن نشان داد که ۸۳٪ از پاسخگویان دروس دینی را دارای جذابیت کافی نمی‌دانستند، ۷۶٪ آنان معتقد بودند محتوای دروس دینی پاسخهای قانع‌کننده‌ای به پرسشهای دانشجویان نمی‌دهند. ۷۳٪ از پاسخگویان معتقد بودند که محتوای دروس دینی انگیزه لازم را برای تداوم مطالعات دینی ایجاد نمی‌کند، ۷۵٪ از آنان اظهار داشتند که استادان دروس دینی از محبوبیت کمتری نسبت به سایر استادان برخوردار هستند. ۶۱٪ از پاسخگویان بر این باورند که استادان حوزوی در برقراری ارتباط با دانشجویان موفقیت زیادی ندارند.

ضرابی (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «برخی از عوامل جذب جوانان به مسجد» به نظرخواهی از ۴۳۱ نوجوان و جوان مذهبی استان کرمان پرداخت و به این نتیجه رسید که اکثر جوانان وضعیت ظاهری مسجد و نظافت ساختمان و امکانات لازم را مهمترین عامل جذب و عواملی مانند طولانی شدن نماز جماعت، ویژگیهای امام جماعت و هیأت امنا را مانع جذب خود به مسجد عنوان کرده‌اند.

سادئی (۱۳۷۴) در تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دینی و مذهبی نسل نو» به بررسی عوامل بی‌رغبتی جوانان به‌یادگیری مفاهیم دینی در سه نهاد خانواده، نظام آموزشی و جامعه پرداخته است؛ در نهاد خانواده ضعف در باورهای دینی والدین و ناهماهنگی گفتار و عمل آنان، در نظام آموزشی کمبود نیروی متخصص در

گروه دینی و نامتناسب بودن محتوای کتابها با معیارهای این نسل و در نهاد جامعه وجود جوّ تمسخرآمیز نسبت به افراد مذهبی در بین همسالان و ناهماهنگی گفتار و عمل بعضی از افراد مذهبی بیشترین نقش را به خود اختصاص داده بودند.

اورنگی (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستانهای استان مرکزی نسبت به مسائل مذهبی» دریافت که زمینه‌های اجتماعی جامعه، زمینه‌های فرهنگی مدرسه و خانواده بیشترین تأثیر را در این مورد دارا می‌باشند.

سعیدی مقدم (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین ساخت تربیتی و مذهبی خانواده با ارزشهای اخلاقی نوجوانان شهر تهران» به این نتیجه رسید که پابندی به ارزشهای اخلاقی در نزد دختران نوجوان که مادر مذهبی دارند بیشتر از نوجوانان دختری است که مادر غیرمذهبی دارند.

سعیدی (۱۳۷۴) تحقیقی را با عنوان «بررسی شیوه‌های جذب نوجوانان و جوانان به شرکت در مراسم مذهبی استان سمنان» انجام داد و دریافت که تکریم شخصیت، اعطای مجوز استفاده رایگان از تسهیلات ورزشی و کتابخانه، دعوت از چهره‌های مشهور و مورد علاقه نوجوانان بیشترین تأثیر را در این زمینه دارد.

عباسی سروک (۱۳۷۲) «عوامل مؤثر و بازدارنده درک مفاهیم بینش اسلامی را در میان دانش‌آموزان تهران» جست‌وجو می‌کرد. مهمترین یافته‌های پژوهش نشان داد که دختران بهتر از پسران مفاهیم کتاب را درک کرده‌اند. دانش‌آموزان واژه‌های وضع کلمه‌ای را کمتر درک کرده‌اند، تکرار واژه‌ها رابطه معکوس با میزان درک مفاهیم دارد.

کریمی (۱۳۶۸) در تحقیقی به بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به دروس دینی و قرآن پرداخت. نتایج تحقیق او نشان داد که میزان علاقه‌مندی به درس دینی و قرآن در نزد دختران کمتر از دروس دیگر است، باوجود تأکید بر اهمیت و اعتبار شخصیت معلمان دینی، دانش‌آموزان تمایل چندانی به اشتغال در این شغل نداشتند، کمترین میزان علاقه‌مندی به خصوص در میان دختران نسبت به معلمان درس قرآن می‌باشد.

گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی

انحرافات اخلاقی و علل آموزشگاهی آن در شهر تهران» دریافت که مهارت کافی معلمان از انحرافات اخلاقی می‌کاهد، هر چه فضای آموزشی وسیع‌تر باشد انحرافات اخلاقی کمتر است، هر چه فعالیت‌های پرورشی و فوق برنامه کمتر شود انحرافات اخلاقی بیشتر خواهد شد، هر چه ارتباط والدین با اولیای مدرسه کمتر باشد میزان انحرافات بیشتر خواهد شد.

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش بررسی میزان تأثیر زمینه‌های گوناگون آموزشگاهی بر آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان بوده است. از این هدف کلی که تحت عنوان دو دسته عوامل (عوامل سازمانی و عوامل آموزشی) مورد بررسی قرار گرفته، اهداف ویژه زیر گرفته شده است.

- ۱- بررسی نقش و تأثیر بعد ساختاری مدرسه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان.
- ۲- بررسی نقش و تأثیر بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان.
- ۳- بررسی نقش و تأثیر شیوه مدیریتی مدارس در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان.
- ۴- بررسی نقش و تأثیر ویژگی‌های علمی معلمان در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان.
- ۵- بررسی نقش و تأثیر ویژگی‌های شخصیتی معلمان در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان.
- ۶- بررسی نقش و تأثیر محتوای کتابهای دینی در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان.
- ۷- بررسی نقش و تأثیر هر یک از عوامل گفته شده با توجه به عوامل جمعیت‌شناختی پاسخگویان.

پرسشهای اصلی پژوهش

- ۱- بعد ساختاری مدرسه تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟
- ۲- بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

۳- شیوه مدیریتی مدارس تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

۴- ویژگی‌های علمی معلمان تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

۵- ویژگی‌های شخصیتی معلمان تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

۶- محتوای کتاب‌های دینی تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

۷- نظرات پاسخ‌دهندگان براساس متغیرهای سمت، جنسیت، محل خدمت، سابقه خدمت و مدرک تحصیلی تا چه اندازه تفاوت دارد؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر که از نوع کاربردی است با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه دبیران دینی و قرآن و مریبان پرورشی مقطع متوسطه شهر شیراز هستند که براساس آمار دایره کارشناسی آمار و بودجه سازمان آموزش و پرورش استان فارس، تعداد کل دبیران دینی و قرآن ۲۴۰ نفر و تعداد کل مریبان پرورشی ۱۲۹ نفر بوده است.

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه، ابتدا فراوانی و درصد هر یک از نواحی چهارگانه برحسب جنسیت مشخص گردید و سپس برای هر یک از طبقات به تفکیک زن و مرد حجم نمونه تعیین گردید. بعد از انجام این مراحل، اسامی دبیران دینی و مریبان پرورشی از نواحی چهارگانه اخذ و در نهایت تعداد نمونه متناسب با حجم نواحی و جنسیت به صورت تصادفی انتخاب گردید.

جدول‌های شماره ۱ و ۲ فراوانی و درصد جامعه و نمونه آماری را به تفکیک ناحیه آموزشی و جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۱- فراوانی و درصد جامعه و نمونه آماری دبیران دینی به تفکیک ناحیه آموزش و پرورش

جنسیت	مرد		زن		کل	
	فراوانی		فراوانی			
	درصد	درصد	درصد	درصد		
ناحیه آموزشی	نمونه	جامعه	نمونه	جامعه	نمونه	درصد
ناحیه ۱	۲۵	۹	۲۳	۲۳	۲۳	۳۳/۵
ناحیه ۲	۲۵	۹	۱۴	۱۴	۱۴	۲۴/۵
ناحیه ۳	۱۰	۴	۱۵	۱۵	۱۳	۱۹
ناحیه ۴	۱۱	۴	۱۸	۱۸	۱۷	۲۳
جمع	۷۱	۳۶	۷۰	۷۰	۶۴	۱۰۰

جدول ۲- فراوانی و درصد جامعه و نمونه آماری مربیان پرورشی به تفکیک ناحیه آموزش و پرورش

جنسیت	مرد		زن		کل	
	فراوانی		فراوانی			
	درصد	درصد	درصد	درصد		
ناحیه آموزشی	نمونه	جامعه	نمونه	جامعه	نمونه	درصد
ناحیه ۱	۱۰	۴	۱۸	۱۸	۹	۲۶
ناحیه ۲	۸	۳	۱۱	۱۱	۵	۱۷
ناحیه ۳	۱۶	۶	۲۲	۲۲	۱۱	۳۴
ناحیه ۴	۱۱	۴	۱۵	۱۵	۷	۲۳
جمع	۴۵	۱۷	۶۶	۶۶	۳۲	۱۰۰

ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته بوده است. با توجه به اینکه در رابطه با موضوع پژوهش پرسشنامه استاندارد شده‌ای وجود نداشت پژوهشگر از طریق مطالعه ادبیات تحقیق و نظرخواهی از افراد صاحب نظر اقدام به تهیه پرسشنامه اولیه نمود و آن را برای اجرای مقدماتی بین تعدادی از افراد جامعه آماری (۳۰ دبیر دینی و ۳۰ مربی پرورشی) توزیع نمود. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و

محاسبه ضریب پایایی، پرسشنامه از ضریب ۰/۹۵ آلفای کرونباخ برای هر دو گروه برخوردار بود. همچنین برای تعیین روایی پرسشنامه ابتدایی را به دفعات در اختیار استادان راهنما و مشاور و برخی دیگر از متخصصان قرار داد و اصلاحات لازم در پرسشنامه صورت گرفت. در نهایت پرسشنامه نهایی در ۴۴ سؤال بسته پاسخ بر مبنای مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تهیه و برای توزیع بین پاسخگویان آماده شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از روشهای آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، واریانس و انحراف معیار به توصیف داده‌ها پرداخته شده است و در سطح استنباطی متناسب با سؤالات تحقیق و همچنین داده‌ها از آزمونهای t تک‌متغیره، آزمون توکی^۱، آزمون t مستقل، آزمون فریدمن و آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است.

بحث و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پرسشهای اصلی

۱- بعد ساختاری مدرسه تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

جدول ۳- تأثیر بعد ساختاری مدرسه در آسیب‌پذیری تربیت دینی

عامل	X	S	t	P
بعد ساختاری مدرسه	۳/۸۱	٪۴۸۷	۱۸/۸۶۵	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۳ از آنجا که t مشاهده شده در خصوص این مؤلفه در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بوده، بنابراین بعد ساختاری مدرسه بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش داشته است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد بعد ساختاری یا همان قوانین و مقررات نظام آموزشی از قبیل تأکید بیش از اندازه بر بخشنامه‌ها، اجباری و الزامی کردن مراسم مذهبی، توجه بی‌رویه به امر آموزش و غفلت از امر پرورش و کم‌توجهی به تفاوت‌های فردی به جای اینکه تسهیل‌کننده

فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان باشند خود به زمینه‌ای مناسب در آسیب‌زا نمودن فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان تبدیل گشته‌اند. در این رابطه لازم است در قوانین و مقررات نظام آموزشی در رابطه با تربیت دینی تجدیدنظر لازم صورت گیرد، به گونه‌ای که از طریق فراهم نمودن زمینه‌های انعطاف‌پذیری و پرهیز از اجبار و الزام و استفاده مناسب‌تر از شوق خود انگیزه دانش‌آموزان که همه نشان از توجه جدی به عنصر تکریم شخصیت انسانها که همیشه مورد توجه دین مبین اسلام بوده و می‌باشد دارد زمینه‌های حضور مشتاقانه دانش‌آموزان را در مراسم مذهبی مدارس تقویت نمایند. این یافته مهم پژوهش با نتایج حاصل از تحقیق سعیدی (۱۳۷۴) همسویی دارد.

۲- شیوه‌های مدیریتی مدارس تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

جدول ۴- تأثیر شیوه‌های مدیریتی مدارس در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان

عامل	X	S	t	P
شیوه‌های مدیریتی مدارس	۳/۸۱	٪۴۸۷	۱۸/۸۶۵	۰/۰۰۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که t مشاهده شده در خصوص این مؤلفه (شیوه مدیریتی مدارس) در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بوده است. به عبارت دیگر t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول بالاتر بوده، بنابراین شیوه‌های مدیریتی مدارس بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش داشته‌اند. به عبارت دیگر مدیران مدارس ما به دلایل گوناگون از قبیل نداشتن آشنایی کامل و کافی با شرایط و ویژگیهای متعدد و متنوع فراگیران، پایین بودن سطح آشنایی آنها با روشهای صحیح برخورد با دانش‌آموزان، نداشتن علم مدیریتی متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی و استفاده صرف از قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها در فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان در استفاده از روشهای مناسب و کارآمد مدیریتی موفقیت زیادی نداشته‌اند. بدیهی است با توجه به تأثیر شگرف اعمال شیوه‌ها و اصول مناسب مدیریتی در تمامی سازمانها و مؤسسات ارتقای سطح آگاهی مدیران مدارس در این زمینه و آشنا کردن آنها با

سبک‌های جدید مدیریتی و کمک به آنها در امر کاربست این آموزه‌های جدید و روزآمد توفیق بیشتر آنها را در امر تربیت دینی فراگیران به همراه خواهد داشت.

۳- بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

جدول ۵- تأثیر بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان

عامل	X	S	t	P
بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه	۳/۸۹	۰/۵۲	۱۹/۲۴۶	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۵ چون t مشاهده شده در خصوص این مؤلفه (بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه) در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بوده، بنابراین بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش داشته است. بنابراین از یافته‌های مربوط به این مؤلفه چنین برمی‌آید که بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه که از ماهیت مدرسه و رفتارهای فردی و گروهی درون مدرسه نشأت می‌گیرد، نقش عمده‌ای در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان داشته است. به نظر می‌رسد که شیوه‌های ارزشیابی نظام آموزشی ما که فرهنگ نمره‌محوری و مدرک‌گرایی را اشاعه می‌دهند، شیوه‌های مدیریتی مدیران ما که فرهنگ سکوت و محافظه‌کاری را القا می‌کنند و نیز روشهای تدریس معلمان که مستمع صرف بودن و پرهیز از نقادی عوامل آموزشی (معلم و محتوا) را آموزش می‌دهند؛ و ناهماهنگی گفتار و عمل چهره‌های مذهبی مدارس از مهمترین عوامل مرتبط با بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه هستند که باعث آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان گردیده‌اند. تحول اساسی در شیوه‌های ارزشیابی و جایگزینی کمال‌گرایی به جای نمره‌گرایی، ترویج فرهنگ نقد و بررسی، تقویت جرأت و اعتماد به نفس فراگیران و از همه اینها مهمتر هماهنگی بین قول و فعل چهره‌های مذهبی مدارس نقش مؤثری در تقویت زمینه‌های تربیت دینی دانش‌آموزان دارد. این نتیجه مهم با نتیجه حاصل از تحقیق اورنگی (۱۳۷۹) و سادئی (۱۳۷۴) همخوانی دارد.

۴- محتوای کتابهای دینی تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

جدول ۶- تأثیر محتوای کتابهای دینی در آسیب‌پذیری تربیت دینی

عامل	X	S	t	P
محتوای کتابهای دینی	۳/۶۰	۰/۷۲	۹/۳۵	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۶ چون t مشاهده شده در خصوص این مؤلفه (محتوای کتابهای دینی) در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بوده، بنابراین محتوای کتابهای دینی بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری دینی دانش‌آموزان نقش داشته است. به عبارت دیگر از آنجا که t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول بالاتر است، بنابراین محتوای کتابهای دینی تأثیر زیادی در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان داشته است. آنچه از یافته‌های مربوط به این مؤلفه برمی‌آید این است که مواد و محتوای آموزشی و درسی که برنامه‌ریزان برای دانش‌آموزان تهیه و تدارک دیده‌اند، مناسب آنها و شرایط و مقتضیات زمانی آنها نیست، بنابراین در آنها علاقه‌ای نسبت به یادگیری ایجاد نمی‌کند. همه این عوامل به زمینه‌ای مناسب برای آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان تبدیل شده‌اند. سادتی (۱۳۷۴) و دانشگاه تهران (۱۳۸۰) نیز در تحقیقات خود به تأثیر مواد و محتوای آموزشی در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان اشاره نموده‌اند.

۵- ویژگیهای علمی معلمان تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

جدول ۷- تأثیر ویژگیهای علمی معلمان در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان

عامل	X	S	t	P
ویژگیهای علمی معلمان	۴	۰/۶۴	۱۷/۳۲	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۷ چون t مشاهده شده در خصوص این مؤلفه (ویژگیهای علمی معلمان) $P < ۰/۰۱$ معنادار است، به عبارت دیگر t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول بالاتر بوده، بنابراین ویژگیهای علمی معلمان بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش داشته است. به عبارت دیگر براساس نظر

پاسخگویان دانش تخصصی و مهارت حرفه‌ای معلمان که متضمن آشنایی آنها با شیوه‌های روزآمد تربیت دینی و شباهت و اطلاعات کافی آنها نسبت به روان‌شناسی تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان می‌باشد در زمره عواملی است که کمبود آنها به آسیب‌پذیری جدی تربیت دینی فراگیران کمک می‌کند. نتیجه حاصل از تحقیق دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ و کریمی، ۱۳۶۸ که هر دو نشان‌دهنده محبوبیت کمتر معلمان دینی نسبت به سایر معلمان است شاهد دیگری است بر لزوم ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دینی که منجر به افزایش محبوبیت بیشتر آنان در نزد فراگیران می‌شود. به‌طور طبیعی سرمایه‌گذاری جدی آموزش و پرورش برای بالا بردن سطح دانش تخصصی معلمان و مهارت‌های حرفه‌ای آنان می‌تواند از این قشر اثرگذار عناصری را بسازد که در درونی‌ترین لایه‌های شخصیتی فراگیران نفوذ کرده و از طریق شیوه‌های جذاب و دوست‌داشتنی جان‌تشنه و زلال فطرت دانش‌آموزان را با معارف دینی سیراب نمایند.

۶- ویژگی‌های شخصیتی معلمان تا چه اندازه در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد؟

جدول ۸- تأثیر ویژگی‌های شخصیتی معلمان در آسیب‌پذیری تربیت دینی

عامل	X	S	t	P
ویژگی‌های شخصیتی معلمان	۳/۷۴	۰/۶۳	۱۳/۱۲۷	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۸ چون t مشاهده شده در خصوص این مؤلفه (ویژگی‌های شخصیتی معلمان) در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بوده، بنابراین ویژگی‌های شخصیتی معلمان بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش داشته است. به عبارت دیگر ضعف معلمان دینی در برقراری رابطه عاطفی با فراگیران، نامناسب بودن وضعیت ظاهری دبیران دینی و انگیزه پایین آنها به دلیل نزول منزلت اجتماعی معلمان از مهمترین عواملی است که به آسیب‌پذیری تربیت دینی فراگیران کمک کرده است. ضعف معلمان دینی در برقراری رابطه عاطفی که به افت میزان محبوبیت آنها نسبت به سایر معلمان نیز منجر می‌شود، نکته مهمی است که در تحقیق دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ و کریمی (۱۳۶۸) نیز مورد تأکید قرار گرفته و همچنین حساسیت

فراگیران نسبت به وضعیت ظاهری، موقعیت‌ها و مدرسان دروس دینی هم مطلب قابل توجهی است که در تحقیق ضرابی، ۱۳۸۰ هم مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر سؤالات اساسی تحقیق، تعدادی سؤال فرعی نیز برای تحقیق حاضر در نظر گرفته شده بود که به مقایسه نظرات پاسخ‌دهندگان براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی می‌پرداختند که در این مقاله برای جلوگیری از گستردگی مطالب در نتیجه‌گیری به آنها اشاره خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش بیانگر آسیب‌زا بودن کلیه مؤلفه‌های مورد بررسی پژوهش می‌باشد. به عبارت دیگر هر شش مؤلفه بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش داشته‌اند. همان‌گونه که در جدول ۹ مشاهده می‌شود در رتبه‌بندی مؤلفه‌ها «ویژگیهای علمی معلمان» با میانگین وزنی ۴/۲۵ بیشترین تأثیر و محتوای کتابهای دینی با میانگین وزنی ۲/۶۱ کمترین تأثیر را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان داشته‌اند. کمی تأمل در میانگین رتبه‌ها، نشان می‌دهد که سطح تسلط علمی مربیان و معلمان دروس معارف اسلامی تأثیر زیادی در فرایند تربیت دینی فراگیران دارد. به علاوه بعد فرهنگی - اجتماعی، ساختاری و شیوه‌های مدیریتی مدارس همگی نشان‌دهنده اهمیت شیوه و روش کار مدیران و مربیان مربوط در جریان تربیت دینی می‌باشد.

جدول ۹- میانگین رتبه هر یک از مؤلفه‌های اساسی پژوهش

میانگین رتبه‌ها	پرسشهای پژوهش
۴/۲۵	۱- ویژگیهای علمی معلمان
۳/۹۳	۲- بعد فرهنگی - اجتماعی مدارس
۳/۵۶	۳- بعد ساختاری مدارس
۳/۴۳	۴- شیوه‌های مدیریتی مدارس
۳/۲۲	۵- ویژگیهای شخصیتی معلمان
۲/۶۱	۶- محتوای کتابهای دینی

در مقایسه نظرات پاسخ‌دهندگان برحسب سمت، مریدان پرورشی تأثیر دو مؤلفه «شیوه مدیریتی مدارس» و «ویژگیهای شخصیتی معلمان» را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان بیش از دیران دانسته‌اند. در خصوص سایر مؤلفه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

در مقایسه نظرات پاسخ‌دهندگان برحسب جنسیت، دیران مرد تأثیر مؤلفه شیوه مدیریتی مدارس را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان بیش از دیران زن دانسته‌اند و مریدان زن تأثیر ویژگیهای شخصیتی معلمان را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان بیش از مریدان مرد دانسته‌اند.

نتایج حاصل از مقایسه نظرات پاسخ‌دهندگان براساس ناحیه محل خدمت بیانگر معنادار بودن تفاوت نظرات پاسخ‌دهندگان در خصوص مؤلفه‌های «بعد ساختاری مدرسه» و «محتوای کتابهای دینی» بوده است. در این رابطه پاسخ‌دهندگان ناحیه ۲ تأثیر مؤلفه «بعد ساختاری مدرسه» را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان کمتر از پاسخ‌دهندگان ناحیه ۳ دانسته‌اند. همچنین پاسخ‌دهندگان ناحیه ۴ تأثیر محتوای کتابهای دینی را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان بیش از پاسخ‌دهندگان نواحی ۱ و ۲ و ۳ دانسته‌اند.

در مقایسه نظرات پاسخ‌دهندگان براساس سابقه خدمت نیز تفاوت‌های معناداری مشاهده شد. به این معنا که پاسخ‌دهندگان با سابقه خدمت ۱ تا ۵ سال تأثیر «شیوه‌های مدیریتی مدارس» را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان کمتر از پاسخ‌دهندگان دارای سابقه خدمت ۱۱ تا ۱۵ سال و ۱۶ تا ۲۰ دانسته‌اند.

در خصوص مؤلفه‌های «محتوای کتابهای دینی» بعد فرهنگی-اجتماعی مدرسه، ویژگیهای علمی معلمان، ویژگیهای شخصیتی معلمان «پاسخ‌دهندگان با سابقه خدمت ۱ تا ۵ سال تأثیر مؤلفه‌های ذکر شده را در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان کمتر از پاسخ‌دهندگان با سابقه خدمت ۶ تا ۱۰ سال ۱۱ تا ۱۵ سال و ۲۱ سال به بالا دانسته‌اند.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱- پیشنهاد می‌گردد در قوانین و مقررات مربوط به آموزش، ارزشیابی و مدیریت در فرایند تربیت دینی تجدید نظر شود.

۲- به مسؤلان محترم نظام آموزشی پیشنهاد می‌گردد از طریق برنامه‌های رادیو و تلویزیون و از طریق آموزشهای حضوری و غیرحضوری که برای دانش‌آموزان و معلمان

برگزار می‌گردد، جامعه را به‌طور اعم و معلمان و دانش‌آموزان را به‌طور اخص با تفاوت میان دین به‌عنوان یک امر آسمانی و معرفت دینی به‌عنوان یک پدیده‌ی خاکی آشنا سازند و نگرش آنها را نسبت به معرفت دینی به‌عنوان پدیده‌ای که زائیده‌ی تفکر و خیال آدمی و بنابراین آسیب‌پذیر است اصلاح نمایند.

۳- توصیه و تأکید می‌گردد با استفاده از راههای صحیح و شایسته مانند استخدام معلمان متخصص و مجرب و متعهد، و نیز اهمیت قابل شدن به درس دینی و قرآن از طریق افزایش ساعت این درس نسبت به افزایش اهمیت و اعتبار این درس تلاش نمایند.

۴- با توجه به یافته‌های پژوهش از آنجا که ویژگیهای علمی معلمان به‌عنوان مهمترین عامل در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان شناخته شده به مسؤلان محترم نظام آموزشی پیشنهاد می‌گردد نسبت به استخدام معلمان شایسته و متعهد و متخصص اقدام نمایند. از طرف دیگر به معلمان و مربیان تربیت دینی پیشنهاد می‌گردد نسبت به افزایش اطلاعات علمی خود درباره روشهای آموزشی و ارزشیابی و اداره کلاس در فرایند تربیت دینی اقدام نمایند.

۵- به مسؤلان محترم نظام آموزشی پیشنهاد می‌شود با حل مشکلات معیشتی و اقتصادی معلمان، انگیزه لازم را در آنان افزایش دهند تا آنها بتوانند الگوی شایسته‌ای باشند.

۶- پیشنهاد می‌شود از طریق هماهنگی با صدا و سیما و جمهوری اسلامی با تهیه و تدارک برنامه‌های مفید و مناسب خانواده‌ها را با روشهای صحیح تربیت و اهمیت و اعتبار ارزشها و رفتارهای دینی مذهبی آشنا سازند.

۷- به برنامه‌ریزان درسی پیشنهاد می‌شود متناسب با شرایط متغیر جامعه جهانی مواد و محتوای آموزشی مناسب را برای دانش‌آموزان تهیه و تدارک ببینند.

۸- به مدیران محترم مدارس پیشنهاد می‌شود که به دلیل نامتناسب بودن روشهای آمرانه و دستوری با شرایط و ویژگیهای مربیان و ماهیت تربیت دینی سعی کنند در فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان از روشهای مناسب دیگر مانند ارتباط عاطفی و صمیمانه با فراگیر و روشهای الگویی استفاده کنند.

۹- با توجه به الگوپذیری دانش‌آموزان از ویژگیهای ظاهری معلمان به معلمان محترم توصیه می‌گردد برای حفظ زیبایی ظاهر (متناسب با شؤونات اسلامی) و استفاده از لباس مناسب بکوشند.

منابع

اورنگی، ع. (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان استانهای مرکزی نسبت به مسائل مذهبی»، چکیده مقالات آسیب‌شناسی دینی، تک شماره ۲۳.

باقری، خ. (۱۳۸۰)، «آسیب و سلامت در تربیت دینی»، تربیت اسلامی ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی.

حجتی، م. (۱۳۶۶)، اسلام و تعلیم و تربیت (بخش اول تربیت)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دلشاد تهرانی، م. (۱۳۸۰)، رهنمایان دین، آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج‌البلاغه، تهران، دریا.

سادی، ع. (۱۳۷۴)، «آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دینی و مذهبی نسل نو»، خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت، تک شماره.

سعیدی، م. (۱۳۷۴)، «بررسی شیوه‌های جذب جوانان و نوجوانان به شرکت در مراسم مذهبی»، چکیده مقالات آسیب‌شناسی دینی، تک شماره.

سعیدی‌مقدم، ف. (۱۳۷۵)، «بررسی رابطه بین ساخت تربیتی و مذهبی خانواده با ارزشهای اخلاقی نوجوانان شهر تهران»، چکیده تازه‌های تحقیق در مراکز دانشگاهی.

شرفی، م. (۱۳۷۷)، «بررسی مبانی تاریخی سکولاریسم»، ماهنامه تربیت.

ضرابی، ع. (۱۳۸۰)، «شیوه‌های جذب جوانان به مسجد»، ماهنامه پیوند.

کرلینجر، ف. د. مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن‌پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زند، (۱۳۷۶)، تهران، آوای نور.

کریمی، ع. (۱۳۶۸)، «بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به دروس دینی و قرآن»، چکیده تحقیقات تربیتی.

گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۶۶)، «بررسی انحرافات اخلاقی و علل آموزشی آن»، چکیده تحقیقات تربیتی.

نادری، ع و م سیف‌نراقی. (۱۳۷۴)، روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران، انتشارات بدر.

یوسفیان، ح. (۱۳۸۱)، نیاز به دین، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- FLANAGAN, C. (1997). *Youth, Family, Values and Civit ociety*. New York: Free Press.
- HOFMAN, M. (1980). "Moral Development in Adolescence", in J.Adelson (Ed), *Handbook of adolescent psychology*. New York: Wiley.
- SWANSON, H.L & HILL, G. (1993). "Meta-cognitive Aspects of Moral Reasoning and Behavior", *Adolescence*, 28, 715-723.

وصول: ۸۲/۱۱/۲۸

پذیرش: ۸۳/۱/۲۴

